

باسمه تعالی

- ۱..... کلام مرحوم آخوند در احتمالات خاص بودن معنای حرف
- ۲..... تکمیل کلام مرحوم آخوند در اشکال به مرحوم شیخ
- ۳..... دو فرض دیگر از خصوصیت در معنای حرفی

موضوع: ثمره بحث / وضع / مقدمه علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در لحوق قیود کلام به مفاد حرفی بود به این معنا که آیا مفاهیم حرفی می توانند مقید شوند یا اینکه تقیید حرف امکان ندارد.

یکی از تطبیقات این بحث در واجبات مشروط مطرح شد که مرحوم شیخ، با اعتراف به اینکه ظهور کلام، رجوع قید به هیئت است اما از آنجا که هیئت معنای حرفی دارد و اطلاقی ندارد پس قابل تقیید و محدودیت نیست؛ فرمودند که قید به ماده رجوع می کند و از آثار رجوع قید به ماده، بحث وجوب انجام مقدمات مفوته است که مرحوم آخوند در کفایه در بحث واجبات مشروط به آن پرداخته اند.

نظیر این ثمره در واجب کفایی نیز بیان شده است.

در ابتدا احتمالات متعددی در تبیین معنای حرفی مطرح شده بود که با یکدیگر متفاوت بود مانند اینکه برخی حروف را همانند علائم اعرابی رفع و نصب، فاقد معنا می دانند و یا اینکه برخی مانند مرحوم نائینی و اصفهانی معنای حرفی را از قبیل وجود دانسته بودند نه از قبیل ماهیت.

کلام مرحوم آخوند در احتمالات خاص بودن معنای حرف

مرحوم آخوند در نقد نظریه خاص بودن معنای حرفی می فرمایند: دو احتمال در خاص بودن مفاد حرفی وجود دارد.

- ۱- مراد از خاص بودن معنای موضوع له این است که مفاد حرف، قضیه جزئی خارجیه است که در این صورت اطلاقی ندارد تا قابل تقیید باشد؛ هر چند که قابل تعلیق است؛ زیرا آنچه در خارج محقق شده واحد است و افراد متعددی ندارد تا قابل تقیید باشد.

این بیان به نظر مرحوم آخوند غلط است؛ زیرا اولاً اگر خاص بودن معنای موضوع له به معنای قضیه جزئیه خارجی باشد دیگر در قضایای حقیقی مانند «لله علی الناس حج البیت» نباید بتوان از حروف استفاده کرد. و ثانیاً استعمال حروف در قضایای حقیقیه مجاز نیست.

۲- مراد از خاص بودن معنای حرفی، جزئی ذهنی بودن معنای حرفی به معنای متصور در زمان تکلم است که لازمه آن این است که هر استعمالی از معنای حرفی معنای جدیدی بدهد مثلاً در استعمالات مکرر «سرت من البصره» توسط یک نفر، حرف «من» چند معنا داشته باشد.

این معنا نیز قابل التزام نیست؛ زیرا اولاً تعدد معنا به تعدد استعمالات خلاف وجدان است و ثانیاً این مطلب مستلزم این است که جملات مستعمله حاکی از خارج، به صورت مجاز و مجرد از معنای ذهنی استعمال شود؛ زیرا جزئی ذهنی، عرض ذهن است؛ در حالی که در استعمالات حرف، محکی از حرف در خارج است و لذا استعمال لفظ موضوع در وجود ذهنی، در وجود خارجی، مجاز خواهد بود به نکته کشف مماثل از مماثل؛ در حالی که مجاز در استعمالات حروف وجود ندارد. بنابر این مرحوم آخوند خاص بودن معنای حرف را قابل التزام نمی دانند.

تکمیل کلام مرحوم آخوند در اشکال به مرحوم شیخ

در تکمیل کلام مرحوم آخوند می گوئیم، بر فرض این که معنای حرفی جزئی ذهنی نیز باشد، قابل تقیید است؛ یعنی وجود ذهنی به دوگونه قابل تصور است مقید و بدون قید؛ پس مفاد حرف هر چند که جزئی ذهنی است اما قابلیت محدود بودن را دارد.

مثلاً در «سرت من البصره راکباً» معنای «من» هر چند جزئی ذهنی است، اما این وجود ذهنی می تواند دال بر ابتدائیت راکبیت باشد، پس وجود ذهنی اگر قیدی نداشته باشد، مطلق است و لذا اگر بگوئید «سر من البصره»، وجوب نسبت به استطاعت مطلق است و مشروط به استطاعت نیست همانطور که می تواند مقید به استطاعت بشود و گفته شود «سر من البصره ان استطعت» پس وجود ذهنی و جزئی ذهنی بودن، منافات با تقیید ندارد.

بنابر این در استدلال مرحوم شیخ برای اثبات عدم قابلیت تقیید در حروف باشد به خاص بودن معنای حرفی اگر منظور ایشان از خاص بودن جزئی ذهنی بودن معنای حرف است. در پاسخ گفته می شود معنای خاص جزئی ذهنی نیز قابل تقیید است؛

زیرا جزئی ذهنی نیز همان گونه که قابلیت اطلاق و عدم تقييد را دارد، قابلیت تقييد را نیز دارد و مقيد بودن معنای حرفی، موجب خارجی شدن معنا نمی شود و لذا می توان هیئت وجوب را در ذهن مقیدا فرض کرد.

به عبارت دیگر بر فرض این که معنای حرفی وجود ذهنی خاص باشد؛ همین که در ذهن معنای حرفی خاص به دو گونه (مقيد و غیر مقيد) قابل تصور است برای امکان تقييد معنای حرفی کفایت می کند. هرچند که بعد از تصور، قابلیت تقييد را نداشته باشد.

دو فرض دیگر از خصوصیت در معنای حرفی

گفته شد که امکان دارد قائلین به معنای حرفی، دو معنای دیگر از خاص بودن مفاد حرفی را اراده کرده باشند.

۱- معنای حرفی خصوصیت ناشی از اطراف دارد و هر نوع استمالی، به حسب اطراف متفاوت، معنای جدیدی دارد، مثلا در «سرت من البصره» و «سرت من الکوفه»، معنای حرف «من» تفاوت دارد.

البته این معنا خلاف وجدان عرفی است مانند این که گفته شود معنای کلمه زید در استعمال «صلی زید» و «رکب زید» متفاوت است؛ علاوه بر این که این معنا از خاص بودن مفاد حرفی قابل تقييد است؛ زیرا تقييد آن به حسب زمان و مکان و... ممکن است و لذا ممکن است «سرت من البصره» به زمان و مکان خاصی مقيد شود.

۲- معنای حرفی قابل تصور مستقل نیست؛ یعنی حروف علاوه بر آن که در خارج نیاز به طرف اضافه دارند، تصور آن ها در ذهن نیز نیاز به طرف اضافه ای مانند زمان و مکان و... دارد و مستقلا قابل تصور نیستند، بر خلاف اسماء _ هر چند مانند بیاض از اعراض باشد _ که معنای مستقلی دارند و بدون اطراف، قابل تصور می باشند.

مثلا همانطور که معنای اسمیه ذات اضافه، مانند مفهوم ابوت و...، برای تصور مفهوم، نیاز به تصور طرف اضافه دارد؛ مفهوم حروف نیز علاوه بر این که در خارج، متقوم به غیر است و به اطراف نیاز دارد، در تصور ذهنی نیز نیاز به اطراف دارد.

این معنا قابل ادعا است؛ زیرا حرف بدون طرف اضافه قابل فرض نیستند و اینکه مرحوم نائینی و شهید صدر فرموده اند که مراد از خاص بودن معنای حرفی این است که سنخ معنای حرفی از سنخ وجود است نه از سنخ ماهیت و به تعبیر مرحوم اصفهانی از معانی رابط است نه رابطی؛ به همین معنایی که بیان شد می باشد.

این معنا از خاص بودن مفاد حرفی نیز قابل تقييد است؛ زیرا وجود ذهنی قائم به اطراف نیز می تواند، مقيد باشد. مثلا ابتدائیت مرتبط بین سیر و بصره، می تواند مقيد باشد.

پس اشکال اصلی به مرحوم شیخ این است که عدم قابلیت تقیید معنای حرفی، تنها در موردی صادق است که کلام استعمال و انشاء شده باشد و تقیید پس از استعمال عارض شود؛ اما مقید بودن آن از ابتدا مانعی ندارد و لذا بر فرض این که معنای حرفی خاص باشد، قیود جمله می تواند، متعلق به هیئت باشد و مشکل ثبوتی در این مساله وجود ندارد.

بنابر این تعلّق قید به هیئت ثبوتاً مانعی ندارد اما از نظر اثباتی تعلّق گرفته است و یا نه؟ بحث مستقلاً است که در جلسات بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.